



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ، بَدَأَ

دعای امام سجاد علیه السلام چون به دعا برمی‌خواست بدین صورت به

بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَالشَّانِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

سپاس و حمد خداوند عزوجل ابتداء می‌کرد و می‌گفت:

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلاَ أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ

(۱) سپاس مخصوص خداست. آن وجود مبارکی که اول است، بی آن که

بِلاَ آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْتِهِ

اول پیش از او باشد و آخر است، بی آن که آخری پس از او باشد.

أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ

دیده بینندگان از دیدنش ناتوان، و گمان وصف کنندگان از ستودنش

الْوَاصِفِينَ.

عاجز است.

﴿٢﴾ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَاخْتَرَعَ لَهُمْ

(۲) موجودات را به قدرتش آفرید؛ آفرینی خوش‌نما و مخلوقات را به

عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ

اراده‌اش ساخت، ساختنی زیبا. آن‌گاه، تمام آنها را در مسیر خواسته خود

إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ

راهی نمود و در راه محبتش برانگیخت. قدرت پس رفتن، به جانب مرزهایی



تَأْخِرًا (تَأْخِرًا) عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

که آنان را از آنها پیش انداخت ندارند و توان پیش رفتن به سوی حدودی که

تَقَدَّمَا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ، ﴿۳﴾ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ

آنان را از آنها پس انداخت ندارند. (۳) از رزق و روزیش، برای هر یک

مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ

از جان داران، خوراک معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم کسی را که فراوان داده،

مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛

احدی نمی تواند بکاهد و نصیب کسی از آنان را که کاسته، هیچ کس نمی تواند

﴿۴﴾ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ

ببفزاید. (۴) آنگاه زندگی او را زمانی

لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ،

محدود قرار داد که به سوی آن پایان، با ایام عمرش قدم برمی دارد و با

وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى

سالهای زندگیش، به آن نزدیک می شود، تا هنگامی که به دورترین باقی

آثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَى مَا

مانده پایان زندگیش برسد و پیمانه حساب عمرش را تمام و کامل دریافت

نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مُحْذُورِ عِقَابِهِ،

کند. او را به سوی آنچه از پاداش بسیار، یا عذاب دردناک فرا خوانده ببرد،

«لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

تا به خاطر عدالتش، بدکاران را به علت کردار ناپسندشان و نیکوکاران



أَحْسِنُوا بِالْحُسْنِ»، عَدْلًا مِنْهُ؛ ﴿٥﴾ تَقَدَّسَتْ

را به سبب کار نیکشان جزا دهد. (۵) پاک و مبارک است نام‌های

أَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ؛ «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

حضرتش و پی در پی است نعمت‌هایش. از آنچه انجام می‌دهد، بازخواست

وَهُمْ يُسْأَلُونَ».

نشود، ولی همگان در پیشگاهش بازخواست شوند.

﴿٦﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ

(۶) سپاس مخصوص خداست که اگر بندگان را از شناخت سپاس‌گزاریش بر آنچه

مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهِ الْمُتَتَابِعَةِ،

که از عطایای پیاییش که محض امتحان کردنشان به آنان عنایت فرمود و نعمت‌های

وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِّعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا

پیوسته‌ای که بر آنان کامل کرده‌چاه محرومیت می‌انداخت، در عطایا و نعمت‌هایش، دخل

فِي مِّنْهِ، فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ

و تصرف می‌کردند و او را سپاس نمی‌گزاردند و روزیش را به فراوانی خرج می‌کردند و به

فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، ﴿٧﴾ وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ، لَخَرَجُوا مِنْ

شکر عنایاتش برغی‌خاستند. (۷) اگر چنین بودند، از حدود انسانیت بیرون

حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا

می‌رفتند و به مرز حیوانیت می‌رسیدند. در نتیجه به این صورت بودند که

وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ، بَلْ

در کتاب محکم‌ش وصف کرده: «آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه



هُمَّ أَضَلُّ سَبِيلًا».

آنان گمراه‌ترند!».

﴿۸﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ،

(۸) و سپاس مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و

وَالْهَمَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ

شکرش را به ما الهام فرمود و درهای دانش را به پروردگارش

بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي

به روی ما گشود و ما را بر اخلاص ورزی در یکتایش راهنمایی

تَوْحِيدِهِ، وَجَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ؛

کرد و از انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت.

﴿۹﴾ حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِي مَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ،

(۹) خدا را سپاس می‌گزارم، سپاسی که با آن، در گروه سپاس‌گزاران از بندگانش زندگی کنم

وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ؛ ﴿۱۰﴾

و با آن سپاس بر هر که به خشنودی و گناه بخشی‌اش پیشی بسته، سبقت بگیرم. (۱۰)

حَمْدًا يُضِيئُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَيُسَهِّلُ

سپاسی که به سبب آن، تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند و به وسیله

عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

آن، راه رستخیز را بر ما آسان فرماید و به کمک آن، رتبه‌های ما را نزد گواهان

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، «يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ

روز قیامت بلند گرداند. «روزی که هر وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده،



بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»، «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلِيَّ

پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگیرد»؛ «روزی که هیچ دوستی، چیزی از عذاب را از

عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»؛ ﴿۱۱﴾ حَمْدًا

دوستش دفع نکند و این گنهکاران حرفه‌ای از جانب کسی یاری نشوند»؛ (۱۱) سپاسی

يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ»، «فِي كِتَابٍ مَّرْقُومٍ،

که از جانب ما، در پرونده‌ای که کردار نیکان در آن رقم خورده و مقربان درگاهش

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»؛ ﴿۱۲﴾ حَمْدًا تَقْرُبُ بِهِ عِيُونُنَا

گواهان آنند، به سوی اعلا عِلِّيِّین بالا رود، (۱۲) سپاسی که چون دیده‌ها در قیامت

إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا

خیره شود، سبب روشنی دیده ما شود و هنگامی که چهره‌ها سیاه گردد، به نورانیت

اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ؛ ﴿۱۳﴾ حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنَ الْإِيمِ

آن صورت‌های ما به سپیدی رسد. (۱۳) سپاسی که ما را از آتش دردناک

نَارِ اللَّهِ، إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ؛ ﴿۱۴﴾ حَمْدًا نَزَاحِمُ

خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد. (۱۴) سپاسی که به وسیله آن،

بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامُ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ

همدوش فرشتگان شویم و در پیشگاه رحمتش جای را بر آنان تنگ کنیم و به

الْمُرْسَلِينَ، فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ

سبب آن، در سرای جاودانی که از بین نمی‌رود و محل کرامتش که دگرگونی نمی‌پذیرد

كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

با پیامبران مرسل همراه شویم.



﴿۱۵﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مُحَاسِنَ الْخُلُقِ،

(۱۵) و سپاس مخصوص خداست که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید

وَأَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَجَعَلَ

و روزی‌های پاکیزه را به سوی ما روان ساخت. و ما را با تسلط بر همه

لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَىٰ جَمِيعِ الْخُلُقِ،

موجودات برتری داد. در نتیجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش

فَكُلُّ خَلْقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَّنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرَةٌ إِلَىٰ

فرمانبردار ما هستند و در سایه عزتش، در گردونه اطاعت از ما قرار

طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

دارند.

﴿۱۶﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ

(۱۶) و سپاس مخصوص خداست که در احتیاج و نیاز ما را از غیر

إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟! أَمْ مَتَىٰ

خود بست؛ پس چگونه قدرت سپاس‌گزاری او را داریم؟ یا چه زمانی

نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟! لَا مَتَىٰ؟ ﴿۱۷﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

می‌توانیم به ادای شکرش اقدام کنیم؟ هیچ گاه! (۱۷) و سپاس مخصوص خداست

الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ لَنَا

که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آنها را قرار داد و

أَدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِرَوَاحِ الْحَيَاةِ، وَآثَبَتْ

ما را با روان‌های زنده، از زندگی بهره‌مند ساخت و اعضای انجام دادن کار



فِي نَاجَوَارِحِ الْأَعْمَالِ، وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،

را در وجود ما استوار کرد و با روزی‌های پاکیزه خوراک داد و با احسانش

وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ؛ ﴿١٨﴾ ثُمَّ أَمَرَنَا

ما را بی‌نیاز کرد و با عطایش به ما سرمایه بخشید، ﴿١٨﴾ آنگاه دستورهایش را

لِيُخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا،

متوجه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرمات بر حذرمان داشت تا شکر کردنمان

فَخَالَفَنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُتُونِ زَجَرِهِ،

را بیازماید، پس از این همه عنایت، از مسیر دستورش روی گردانیدیم و بر مرکب سخت و

فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ

سنگین محرماتش سوار شدیم. باین همه، به کیفرش نسبت به ما شتاب نوردید و بر انتقام

تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَانْتَظَرُ مُرَاجَعَتَنَا

گرفتن از ما عجله نکرد؛ بلکه به رحمت و کرمش از سر خشنودی و رضایت با ما معامله کرد و به

بِرَأْفَتِهِ حَلَمًا.

مهربانی و بردباریش، بازگشت ما را از مسیر گناه انتظار کشید.

﴿١٩﴾ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ، الَّتِي

﴿١٩﴾ و سپاس مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد؛ توبه‌ای که آن

لَمْ نَفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْلَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ

را جز از طریق احسانش به دست نیاوردیم و اگر از فضل و احسان بی‌شمارش، غیر این عنایت را که

الْآبِهَاءِ، لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ

عبارت از بخشیدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نیاوریم، محققاً آزمایشش درباره ما نیکو



اِحْسَانُهُ اِلَيْنَا، وَجَسَمُ فَضْلِهِ عَلَيْنَا، فَمَا هُكَذَا

و احسانش در حق ما بزرگ و بخشش او بر ما عظیم است. روش و جود مقدسش در برنامه توبه در باره

كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا؛ ﴿٢٠﴾ لَقَدْ

کسانی که پیش از ما بودند، چنین نبود: (۲۰) آنچه را در عرصه گاه توبه، در طاقت و توان ما نبوده،

وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا

از دوش جان ما برداشته و جز به اندازه قدرت و وسعمان به ما تکلیف نفرموده، در میان آن همه

اِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُجَشِّمْنَا اِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَدْعِ

تکالیف سخت، ما را جز به تکالیف آسان و انداشته و در این زمینه، برای هیچ یک از ما دلیل و بهانه‌ای

لَا حَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا، فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ

باقی نگذاشته است؛ بنابراین هلاک شونده از ما، کسی است که در میدان مخالفت با او هلاک گردد

هَلَكَ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ اِلَيْهِ.

و سعادتمند از ما کسی است که به سوی او میل و رغبت نماید.

﴿٢١﴾ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ اَدْنٰی

(۲۱) و خدا را سپاس، به همه آن سپاسی که نزدیک‌ترین فرشتگان

مَلَائِكَتُهُ اِلَيْهِ، وَاَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ، وَاَرْضٰی

به او و بزرگواری‌ترین مخلوقاتش نزد او و پسندیده‌ترین ستایش‌گران

حَامِدِيهِ لَدَيْهِ؛ ﴿٢٢﴾ حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ،

آستان او، حضرتش را ستوده‌اند؛ (۲۲) سپاسی که از دیگر سپاس‌ها،

كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلٰی جَمِيعِ خَلْقِهِ، ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ

برتری جوید، مانند برتری پروردگار به همه مخلوقات. سپس او را



مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَّهُ عَلَيْنَا، وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ

سپاس، به جای تمام نعمت‌هایی که او بر ما و به تمام

الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ، عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ

گذشته‌اش و همه آنانی که هستند و می‌آیند دارد، سپاسی به عدد

مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ

تمام اشایی که دانشش بر آنها احاطه دارد و سپاسی به جای هر یک از اشیا

مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً، أَبَدًا سَرْمَدًا

به چندین برابر؛ سپاسی ابدی و همیشگی

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ﴿٢٣﴾ حَمْدًا لَا مُنْتَهَىٰ لِحَدِّهِ،

تا روز قیامت، (۲۳) سپاسی که مرزش را پایانی

وَلَا حِسَابَ لِعَدْدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ،

و شماره آن را حسابی و پایانش را نهایی

وَلَا انْقِطَاعَ لِمَدِّهِ؛ ﴿٢٤﴾ حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَىٰ

و مدتش را سرآمدی نباشد. (۲۴) سپاسی که رشته اتصال

طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ، وَ سَبَبًا إِلَىٰ رِضْوَانِهِ، وَ ذَرِيعَةً

به طاعت و بخشش و عامل رضایت و خشنودیش و وسیله

إِلَىٰ مَغْفِرَتِهِ، وَ طَرِيقًا إِلَىٰ جَنَّتِهِ، وَ خَفِيرًا

آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و حفاظت کننده

مِنْ نَقَمَتِهِ، وَ أَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَ ظَهِيرًا عَلَىٰ

از کیفرش و امان از خشمش و مددکاری بر



طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَ عَوْنًا

طاعتش و مانع و سدی از نافرمانیش و کمکی

عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ؛ ﴿٢٥﴾ حَمْدًا نَسَعُدُ

بر ادای حق و عهد و پیمانش باشد. (۲۵) سپاسی که به وسیله آن، در گروه

بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُهُ فِي نَظْمِ

سعادتمندان از دوستانش، به خوشبختی و سعادت برسیم، و به سبب آن با شمشیر

الشُّهْدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ؛ إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

دشمنانش در سلک شهیدان قرار گیریم. همانا او یار بندگان، و خدای ستوده خصال است.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهَيَّمَةٌ،

دعای امام سجاد علیه السلام هنگامی که مهمی به وی دست می‌داد

أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ، وَعِنْدَ الْكَرْبِ

یا رنجی فرود می‌آمد و به وقت اندوه

﴿١﴾ يَا مَنْ تَحَلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ

(۱) ای آن که گره‌های امور رنج‌آور، به وسیله او گشوده می‌شود، و ای آن که تندی

يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ

و تیزی سختی‌ها، به عنایت او فرو می‌نشیند، و ای آن که بیرون آمدن از تنگی

الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ؛ ﴿٢﴾ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ

و فشار، و قرار گرفتن در راحتی گشایش، و رهایی از غم و اندوه، از او خواسته می‌شود. (۲)

الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرَى

دشواری‌ها در برابر قدرت آسان گردد. وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطف

بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ

فراهم آید، و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد. و همه چیز بر اساس و اراده‌ات

الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمَرَةٌ،

می‌گذرد؛ پس همه موجودات به خواست تو بی آن که فرمان قوی دهی، فرمان

وَبَارَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجَرَةٌ.

برند، و به اراده‌ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند.



(۳) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ ، وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ

(۳) تنها تو را در دشواری‌های می‌خوانند، و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی.

فِي الْمُلِمَّاتِ ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ ،

بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی، و از گره‌های

وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ، ﴿٤﴾ وَقَدْ نَزَلَ

رنج آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی. (۴) پروردگارا! بلایی بر من

بِی- یَا رَبِّ- مَا قَدْ تَكَاذَنِي ثِقْلُهُ، وَاللَّهِ بِي مَا

نازل شده، که سنگینی‌اش مرا به زحمت و رنج انداخته، و سختی و مشکلی به دردم

قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ، وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ ،

آورده، که تحملش مرا در فشار قرار داده. و تو آن را به قدرتت بر من وارد کرده‌ای،

وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا

و به اقتدارت به سوی من فرستاده‌ای؛ چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو

أَوْرَدْتَ ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ ، وَلَا فَاتِحَ

فرستاده‌ای کسی بازنگرداند، و چیزی را که تو بسته‌ای گشاینده‌ای برایش نمی‌باشد، و

لِمَا أَغْلَقْتَ ، وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ ، وَلَا مُبْسِرَ

چیزی را که تو بگشایی، کسی قدرت بستنش را ندارد، و آنچه را که تو دشوار کرده‌ای،

لِمَا عَسَّرْتَ ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ؛ ﴿٥﴾ فَصَلِّ

آسان کننده‌ای برایش نیست، و کسی را که تو بی یار و یاور گذاشته‌ای یآوری برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لِي- یَا رَبِّ- بَابَ الْفَرَجِ

او وجود ندارد. (۵) پس بر محمد و آلش درود فرست، ای پروردگرم! به توان و



بَطُولِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ،

تواناییت در گشایش و فرج را به روی من باز کن، و به چاره سازیت، تسلّط غم و اندوه

وَ اِنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَ اَذِقْنِي

را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم، به تأمل و تدبّر نیک برسان. و

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

در آنچه از تو درخواست می‌کنم، شیرینی اجابت را بچشان، و از جانب خودت،

رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِيئًا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ

رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش، و برای من از نزد خود،

مَخْرَجًا وَحِيًّا؛ ﴿٦﴾ وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ

راه نجاتی سریع قرار ده. (٦) و مرا به خاطر غمگینی و حزن و اندوه

تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِيقْتُ

از رعایت واجبات، و به کار گرفتن مستحبات باز مدار. پروردگارا! به سبب بلایی

لِمَا نَزَلَ بِي - يَارَبِّ - ذَرَعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلِ

که بر من نازل شده، درمانده شده‌ام و از تحمل آنچه برای من پیش آمده،

مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا

دلّ از اندوه و غصه پر شده، و تو به برطرف کردن آنچه که به آن گرفتار شده‌ام،

مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفَعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ،

و دور کردن بلایی که در آن افتاده‌ام، توانایی؛ بنابراین قدرت و تواناییت را درباره

وَ اِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ؛ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

من به کار گیر؛ اگر چه از جانب تو سزاوار آن نیستم. ای دارای عرش بزرگ!



﴿ ۲۰ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ الْاَخْلَاقِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در مکارم اخلاق

وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ

و اعمال پسندیده

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بَايَمَانِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ایمانم را به

اکمّل الایمان، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ،

کاملترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده.

وَإِنَّهُ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى

خداوند! نیتم را به بهترین نیتها و عملم را به

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

بهترین اعمال برسان.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِطُفْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا

(۲) خدایا! نیتم را به لطفت کامل گردان و یقینم را به رحمتت در

عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ

گردونه صحت و سلامت قرار ده و فسادم را به قدرتت اصلاح کن.

مِنِّي. ﴿۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

(۳) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست،



وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي

و مرا از آنچه توجه به آن دچار سرگرمی و مشغولیت می‌کند، کفایت کن، و در امور

بِمَا تَسَأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا

به کار گیر که فردای قیامت در ارتباط با آن از من بازپرسی می‌کنی، و روزگارم را در اهدافی که

خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ اغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ؛

مرا به خاطر آن به وجود آوردی مصروف دار. و مرا توانگر کن و روزیت را بر من وسعت ده،

﴿٤﴾ وَ لَا تَفْتِنَنِي بِالنَّظَرِ (بِالْبَطْرِ) وَ اعِزَّنِي،

(٤) و مرا به چشم داشت نسبت به آنچه در دست این و آن است مبتلا مکن، و

وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ وَ عِبْدَنِي لَكَ، وَ لَا تُفْسِدْ

ارجمندم ساز. و مرا به سرکشی و گردن کشی، گرفتار مساز، و بر مدار بندگیت قرار

عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَ اجْعَلْ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ،

ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن، و خیر و نیکی را به دست من برای تمام

وَ لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ؛ وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ،

مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن، و اخلاق شریفه و بلند

وَ اعِصْمْنِي مِنَ الْفَخْرِ.

مرتبه به من ببخش و از فخر فروشی نگاهم دار.

﴿٥﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَرْفَعْنِي

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا درجه و مرتبه‌ای

فِي النَّاسِ دَرَجَةً، إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي

نزد مردم بلند مکن، مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست



مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا، إِلَّا أَحَدَثَتْ
گردانی، و عزّت آشکاری برایم ایجاد مکن، مگر آن که به همان اندازه،
لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا.

خواری باطنی برایم ایجاد کنی.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّعْنِي

(٦) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به هدایتی شایسته

بِهَدًى صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقٍّ

بهرمند ساز که آن را با روشی دیگر عوض نکنم، و راه حقی نصیم کن که

لَا أَزِیغُ عَنْهَا، وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشُكُّ فِيهَا، وَعَمِّرْنِي

از آن منحرف نشوم، و نیت استواری به من عنایت کن که در آن شک نورزم.

مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ

و مرا زنده دار، مادامی که عمرم در طاعت تو به کار رود، و هنگامی که

عُمْرِي مَرَّتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ، قَبْلَ أَنْ

عمرم بخواهد چراگاه شیطان شود، جانم را بستان پیش از آن که دشمنی

يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضْبُكَ عَلَيَّ.

و نفرتت بر من پیشی گیرد، یا خشمیت نسبت به من محکم و استوار شود.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا

(٧) خدایا! خصلت قابل سرزنشی را در وجود من مگذار، جز این که اصلاحش

أَصْلَحَتْهَا، وَلَا عَائِبَةً أُؤَنَّبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا،

کنی، و عیب قابل ملامتی را در عرصه گاه حیاتم رها مکن، جز این که



وَلَا أَكْرُمَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتَمَمْتُهَا.

نیکی‌ش گردانی، و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز این که کاملش فرمایم.

﴿۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۸) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و این خصلت‌هایی

وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَّانِ الْمَحَبَّةَ،

که می‌شمارم، به نفع من تغییر ده: شدت کینه دشمنان را به محبت،

وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنِّ أَهْلِ

و حسد متجاوزان را به مودت، و بدگمانی و تهمت اهل صلاح را

الصَّلَاحِ الثِّقَّةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ،

به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و مخالفت

وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ، وَمِنْ

خویشان را به خوش رفتاری، و تنهایی و بیاری گذاشتن

خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَّارِينَ

نزدیکان را به یاری، و دوستی فریبکاران را به درست شدن

تَصْحِيحِ الْمَقَةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ،

دوستی، و رد کردن همنشینان را به رفتاری کریمانه،

وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ.

و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیّت.

﴿۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا بر کسی که به من ستم می‌کند غالب



لِي يَدَا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي ، وَ لِسَانًا عَلَيَّ مَنْ

و چیره، و بر ضد کسی که با من به مجادله برمی خیزد زبان گویند، و بر کسی که با من

خاصم منی ، وَ ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي ؛ وَ هَبْ لِي

دشمنی می ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می زند، چاره جویی بخش، و

مَكْرًا عَلَيَّ مَنْ كَايَدَنِي ، وَ قُدْرَةً عَلَيَّ مَنْ

در برابر کسی که به من ستم می کند قدرت عنایت فرما، و علیه کسی که به من دشنام

اضطهدنی ، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي ، وَ سَلَامَةً

می دهد و غیبت می کند، توان تکذیب مرحمت فرما، و از دست کسی که مرا تهدید

مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي ؛ وَ وَفْقًا لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي ،

می کند به سلامت دار، و از آن که مرا به راه صواب می برد، توفیق فرمانبری ده، و از آن

و مُتَابَعَةً مِّنْ أَرشَدَنِي .

که مرا به راه راست هدایت می کند، توفیق پیروی عنایت کن.

﴿۱۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ سَدِّدْنِي

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به این اموری که از تو می خواهم پایدار و

لَا اَنْ اَعَارِضَ مِنْ غَشْنِي بِالنُّصْحِ ، وَ اَجْزِيْ مَنْ

استوار دار؛ ایستادن در برابر کسی که به من خیانت کرده با سلاح نصیحت، پاداش دادن به

هَجَرَنِي بِالْبِرِّ ، وَ اُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ ،

کسی که از من دوری بسته با نیکی، جزا دادن به کسی که مرا از عطایش محروم ساخته،

وَ اُكَافِئُ مَنْ قَطَعَنِي بِالْصِّلَةِ ، وَ اُخَالِفُ

با بخشش، تلافی کردن نسبت به کسی که با من قطع رابطه کرده، با صله و پیوند، مخالفت



مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ
وَرَزِدَنِي بِأَكْسَى كَيْفٍ مِنْ غَيْبٍ كَرِهْتُ، بِأَنْ يَكُونَ يَدُكَ مِنْ أَوْفَى أَوْدَانِ السَّيِّئَةِ،
وَأَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ.

در برابر خوبی و چشم پوشی از بدی.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي
(۱۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا

بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ: فِي

به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت

بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغِيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ،

شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم،

وَضَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَاصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ،

خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم،

وَأَفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ،

آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان‌ها، نرم خویی،

وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ

فروتنی، خوش رفتاری، آرامش،

الرَّيْحِ، وَطَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى

وقار، خوش اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی

الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ،

فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترک سرزنش،



وَالْإِفْضَالَ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلَ

خوبی کردن به غیر مستحق، حق گویی، گرچه سنگین باشد،

بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ

اندک دانستن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد و

مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ

زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم،

قَوْلِي وَفِعْلِي؛ ﴿۱۲﴾ وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ

هر چند اندک باشد، ﴿۱۲﴾ و همه این امور را به دوام

الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ،

اطاعت از حضرتت، و همراهی با مسلمانان، و دست برداشتن از اهل بدعت،

وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ.

و آنان که رأی ساختگی در دین را به کار می گیرند، کامل کن.

﴿۱۳﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

﴿۱۳﴾ خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و فراخ ترین روزی را، هنگامی

أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ

که پیر شدم برایم قرار ده، و نیرومندترین نیرویت را، زمانی که خسته و

إِذَا نَصَبْتُ؛ وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ،

درمانده شدم نصیبم فرما، و مرا به سستی و کسالت از بندگی مبتلا نکن،

وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ

و نه به نابینایی از شناخت راهت، و نه به دچار شدن خلاف دوستیت، و نه



مَحَبَّتِكَ، وَلَا مُجَامَعَةٍ مِّن تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلَا مُفَارَقَةٍ
به همراهی کردن با کسی که از تو جدا شده، و نه به جدا شدن از کسی که
مِنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.
با تو همراه گشته.

﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بَكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ،
(۱۴) خدایا! چنانم قرار ده که هنگام ضرورت با کمک حضرتت به دشمنان حمله

وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ
کنم، و به هنگام نیاز از تو بخوام، و زمان درماندگی و مسکنت، به درگاه تو

عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ؛ وَلَا تَفْتِنَنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ
بنام. خدایا! مرا به این امور امتحان مکن: کمک خواستن از غیر خودت، هنگامی

بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ
که مضطر شوم. به خاکساری و فروتنی در برابر ما سوای وجودت، زمانی که به

غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِاللِّتَضَرُّعِ إِلَى مَنْ
تهی دستی گرفتار آیم. به زاری کردن به درگاه غیر حضرتت، وقتی که دچار ترس

دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقْ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ،
شوم، تا به خاطر این امور مستحق خواری و منع نعمت و روی گردانی و بی‌اعتنایی

وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از جانب تو گردم. ای مهربان‌ترین مهربانان!

﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي
(۱۵) آنچه شیطان از آرزوی باطل



رَوْعِي، مِنَ التَّمَنَّى وَالتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ، ذِكْرًا

و بدگمانی و حسد در دل من می‌اندازد، همه را یاد

لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا

بزرگیت و اندیشه در قدرتت، و تصمیم و طرح

عَلَى عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ

علیه دشمنت قرار ده، و آنچه بر زبانم جاری می‌کند، از

فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ، أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ،

فحش و بدگویی یا ناسزا به ناموس مردم، یا شهادت باطل،

أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ، أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ،

یا غیبت مؤمن غایبی، یا دشنام به حاضری

وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِغْرَاقًا

و آنچه شبیه اینهاست، همه را سخن به حمد و سپاست و مبالغه

فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ،

در ثنایت، و فرو رفتن در تعظیمت

و شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ

و شکر نعمتت و اقرار به احسانت و شمردن

و إحصاءً لِمِنَّكَ.

نعمت‌هایت قرار ده.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أُظْلَمَنَّ

(١٦) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و بر من ستم نشود،



وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ

در حالی که به دفعش از من توانایی، و بر دیگری ستم نکنم، در حالی که بر

القَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ

نگاه داشتنش از من قادری، و گمراه نشوم در حالی که بر

أَمْكَنتَكَ هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ

هدایت من نیرومندی، و تهی دست نشوم، در حالی که فراخی روزی من نزد

وُسْعِي، وَلَا أَطْغَيْنَ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي.

توست، و طغیان نکنم، در حالی که توانگری من از جانب توست.

(۱۷) اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَ إِلَى

(۱۷) خدایا! به سوی آمرزش آدمم، و به جانب

عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ إِلَى تَجَاوُزِكَ اِشْتَقْتُ،

بخششت روی کردم، و به گذشت مشتاقم،

وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي

و به احسانت اعتماد کردم. چیزی نزد من نیست که به خاطر آن سزاوار

مَغْفِرَتِكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ،

بخششت شوم، و پس از این که علیه خود داوری کردم،

وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ؛

به این نتیجه رسیدم که چیزی جز احسانت برایم نیست؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ.

پس بر محمد و آلش درود فرست و به من احسان کن.



﴿۱۸﴾ اَللّٰهُمَّ وَاَنْطِقْنِيْ بِالْهُدٰى، وَ اَلْهَمْنِيْ

(۱۸) خدایا! به هدایت، گویایم کن و تقوا را به

التَّقْوٰى، وَ وَفَّقْنِيْ لِلَّتِيْ هِيَ اَزْكٰى، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ

من الهام فرما، و به پاکیزه‌ترین روش توفیقم ده، و به اموری

بِمَا هُوَ اَرْضٰى.

که پسندیده‌تر است به کارم گیر.

﴿۱۹﴾ اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِبِ الطَّرِيْقَةِ الْمُثَلٰى،

(۱۹) خدایا! مرا به بهترین راه بر، و مرا بر آیینت قرار ده که بر اساس آن

وَ اجْعَلْنِيْ عَلٰى مِلَّتِكَ اَمُوْتُ وَ اَحْيَا.

بمیرم و بر مبنای آن زنده باشم.

﴿۲۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ، وَ مَتِّعْنِيْ

(۲۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در تمام امور زندگی از

بِالْاِقْتِصَادِ، وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ

میان‌روی بهره‌مند کن، و اهل صواب و درستی، و از زمره راهنمایان به

اَدَلَّةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَ ارْزُقْنِيْ فَوْزَ

خیر، و از بندگان شایسته‌ات قرار ده، و رستگاری روز قیامت و سلامت از

الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.

کمیگاه عذاب را روزیم فرما.

﴿۲۱﴾ اَللّٰهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيْ مَا يُخْلِصُهَا،

(۲۱) خدایا! از نفس من آنچه که او را رهایی و نجات می‌دهد، برای خود دریافت کن



وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي
و برای نفس من از نفس من آنچه که او را اصلاح می کند باقی گذار. همانا نفس من در
هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا.

معرض هلاکت است؛ مگر این که تو حفظش کنی.

(۲۲) اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَأَنْتَ

(۲۲) خدایا! اگر اندوهگین شوم، تو ذخیره و مایه دل خوشی منی، و اگر از هر دری

مُنْتَجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ،

محروم کنند، تو محل رفت و آمد منی، و اگر در فشار و سختی قرار گیرم، کمک

وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَلِمَا فَسَدَ صَلَاحُ،

خواهیم از وجود توست، و آنچه از دستم رود، عوض و بدلش نزد توست، و برای

وَمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ، فَاْمَنْ عَلَى قَبْلِ الْبَلَاءِ

هرچه فاسد شود، مایه اصلاح پیش توست، و هر آنچه را ناپسند داری، تغییرش به

بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَقَبْلَ الضَّلَالِ

دست توست. خدایا! پیش از بلا به عافیت، و قبل از درخواست، به توانگری، و پیش از

بِالرَّشَادِ؛ وَاكْفِنِي مَوْوَنَةَ مَعَرَّةِ الْعِبَادِ، وَهَبْ

کمراهی، به هدایت بر من منت گذار، و مرا از سختی و دشواری، آزار بندگان کفایت

لِي أَمِنْ يَوْمِ الْمَعَادِ، وَامْنِحْنِي حُسْنَ الْإِرشَادِ.

فرما، و ایمنی روز قیامت را نصیبم کن، و ارشاد کردن نیکو و خوب را به من عطا فرما.

(۲۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنِّي

(۲۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، شرور را به لطف خود از من دفع



بِلُطْفِكَ، وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ ، وَ أَصْلِحْ حَنِي

کن، و به نعمت مرا پرورش ده، و به بزرگواریت، مرا اصلاح کن، و به احسانت

بِكَرَمِكَ، وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ أَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ،

مرا مداوا فرما، و در سایه پناهت جای ده، و خلعت خشنودیت را بر من

وَ جَلِّلْنِي رِضَاكَ ، وَ وَفِّقْنِي إِذَا اشْتَكَتْ

بپوشان، و زمانی که امور بر من مبهم و مشکل شود، به هدایت آمیزترینش،

عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاهَا، وَ إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ

و هنگامی که اعمال برایم مشتبه شود، به پاکیزه‌ترینش، و چون آیین‌ها دچار

لَا زَكَاهَا، وَ إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا.

اختلاف شوند، به پسندیده‌ترینش، موفقم دار.

﴿٢٤﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ ، وَ تَوَجَّحْنِي

(۲۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و تارک وجودم را به تاج کفایت

بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَ هَبْ لِي

بیارای، و به حسن سرپرستی، بلند مرتبه‌ام گردان، و مرا صدق هدایت بخش،

صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَ لَا تَفْتِنَنِي بِالسَّعَةِ، وَ اَمْنِحْنِي

و به گشایش در امور زندگی آزمایشم مکن، و آرامش نیکو به من عطا فرما، و

حُسْنَ الدَّعَةِ؛ وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا،

زندگیم را دشوار و سخت قرار مده، و دعایم را به من بر مگردان؛ برگرداندنی

وَ لَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلٰى رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا،

تخل و ناهنجار، همانا من برای تو ضدی در اعتقادم قرار نمی‌دهم، و با تو



وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

همانند و شبیهی نمی خوانم.

﴿۲۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي

(۲۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از

مِنَ السَّرَفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّرْ

اسراف بازدار، و روزیم را از تلف شدن نگاه دار، و داراییم را به برکت در

مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ، وَ أَصِبْ بِي سَبِيلَ

آن افزون کن، و مرا برای خیر و نیکی در آنچه از آن مال خرج می کنم، به

الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ.

راه هدایت برسان.

﴿۲۶﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي

(۲۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از سختی و دشواری کسب

مَوْوَنَةَ الْإِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ،

و کار کفایت کن و روزیم را از جایی که گمان نمی بریم عنایت فرما، تا در

فَلَا أَشْغَلَ عَنِ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلَ

راه به دست آوردن روزی از بندگیّت باز مانم، و سنگینی و بالهای کسب

إِصْرَتَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ.

را به دوش نکشم.

﴿۲۷﴾ اللَّهُمَّ فَاطِلِبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ،

(۲۷) خدایا! آنچه را می طلبم، به قدرتت برایم فراهم کن، و از آنچه



وَأَجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرَهَبُ.

می‌ترسم، به عزّت پناهم ده.

﴿۲۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آبرویم را به توانگری حفظ

وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ،

کن، و قدر و منزلتم را به تنگدستی پست مفرما که از روزی خوارانت روزی

فَاسْتَزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَغِثْ شِرَارَ خَلْقِكَ،

بخواهم، از بدان و اشرار آفریده‌های عطاپی بطبیم، تا به سپاسگزاری کسی

فَأَفْتِنِ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي،

که عطایم می‌کند گرفتار شوم، و به سرزنش کسی که از عطا کردن به من

وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ.

باز می‌ایستد دچار گردم، و حال آن که تو متولّی عطا و منعی، نه دیگران.

﴿۲۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و صحت و سلامتی که در عبادت مصرف شود،

صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ وَعِلْمًا فِي

آسایش و فراغت که در فضای زهد به کارم آید، و دانش و معرفتی که در عمل به

اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالٍ.

کار گرفته شود، و پارسایی و تقوایی که از افراط و تفریط دور باشد، روزی من فرما.

﴿۳۰﴾ اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي

خدایا! مدت عمرم را به عفو و بخششت پایان ده، و آرزویم را در امید به



رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَسَهْلٍ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ

رحمت تحقق ده، و راههایم را برای رسیدن به خشنودیت هموار ساز، و در

سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

تمام احوال، کردارم را نیکو گردان.

﴿۳۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنِي

(۳۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در اوقات

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

بی‌خبری برای یادت بیداری ده، و در روزگار مهلت برای

فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا

فرمانبرداریت به کار گیر، و برایم راه آسانی به سوی محبتت باز و هموار کن

سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل ساز.

﴿۳۲﴾ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا

(۳۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ مانند برترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ

درودی که پیش از او بر یکی از بندگانت فرستادی، و پس

عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

از او بر یکی از آفریده‌هایت می‌فرستی، و ما را در دنیا

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

و آخرت خوبی عطا کن، و مرا به رحمتت از شکنجه آتش حفظ فرما.

